

Investigation the Dimensions and social Consequences of Crisis Outbreaks of Coronavirus in the Community as a Global Risk

Mansoura Mahdizadeh¹

Abstract

The present article intends to examine the dimensions and some of the social consequences of the coronavirus outbreak crisis (Covid 19) as a global risk. For this purpose, Ulrich Beck's theory of "risky society" has been used. According to this theory, the emergence and spread of the Covid 19 can be the result of a human decision to increase profits, indirect human intervention in nature and thus a kind of global risk that will have many social consequences for societies. Corona disease has all the characteristics of a risk: first, this type of coronavirus (Covid19) has been discovered and spread for the first time, so it is a new risk; Second, the scope and number of people with the disease is constantly increasing; and Third, It is expanding in time and space, which means that it has spread around the world and has spread over time. Documentary study is the method used in this research. According to Beck's theory, one of the negative social consequences of risk (the prevalence of corona in society) is the feeling of anxiety and reduced social trust in the institution of science and governance in society. Finally, the researcher used the concept of Beck's "cosmopolitanism" and proposed the formation of transnational organizations and democratic norms in society as a way out of risk.

Keywords: Corona, Risk, Global, Concern, Trust.

¹. Assistant Professor, National Research Institute for Science Policy, mahdizadeh@nrsp.ac.ir.

ابعاد و پیامدهای اجتماعی ناشی از بحران شیوع ویروس کرونا در جامعه به مثابه یک مخاطره جهانی

منصوره مهدی زاده^۱

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ ارسال: ۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

مقاله حاضر در نظر دارد به بررسی ابعاد و برخی پیامدهای اجتماعی ناشی از بحران شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹) در جامعه به مثابه یک مخاطره جهانی بپردازد. بدین منظور از نظریه «جامعه مخاطره‌آمیز» اولریش بک استفاده شده است. مطابق این نظریه، ظهور و شیوع ویروس کووید ۱۹ را می‌توان حاصل نوعی تصمیم انسانی برای افزایش منفعت، دخالت غیرمستقیم انسان در طبیعت و در نتیجه نوعی مخاطره جهانی به شمار آورد که پیامدها و تبعات اجتماعی فراوانی برای جوامع خواهد داشت. بیماری کرونا تمام ویژگی‌های مخاطره را دارد: اول اینکه این نوع از ویروس کرونا (کووید ۱۹) برای اولین بار کشف و شایع شده لذا مخاطره جدیدی است، دوم اینکه دامنه و شمار مبتلایان به این بیماری دائماً در حال افزایش است و سوم اینکه این بیماری به لحاظ زمانی و مکانی گسترش یابنده است، یعنی اینکه در سراسر جهان شایع شده و به لحاظ زمانی شیوع این بیماری به طول انجامیده است. روش مورد استفاده در تحقیق، روش مطالعه اسنادی است. طبق نظریه بک، از جمله پیامدهای منفی اجتماعی ناشی از مخاطره (شیوع کرونا در جامعه) عبارتند از ایجاد احساس نگرانی و کاهش اعتماد اجتماعی به نهاد علم و حاکمیت در جامعه. در پایان نیز محقق با بهره‌گیری از مفهوم «جهان وطنی» بک، شکل‌گیری سازمان‌های فراملیتی و هنجارهای مردم‌سالارانه در جامعه را به عنوان راه حل خروج از مخاطره مطرح می‌نماید.

۱. هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، mahdizadeh@nrsp.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

طی سال‌های اخیر مفهوم جدیدی در جامعه‌شناسی تحت عنوان «مخاطره»^۱ طرح شده است. مفهوم مخاطره نظیر سایر مفاهیم مورد استفاده در جامعه‌شناسی دارای چندین مترادف است. در زبان انگلیسی واژه‌های «ریسک»^۲، «هazard»^۳، و «دنجر»^۴ عموماً به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند، در حالی که هر یک معنا و مفهومی متفاوت با دیگری دارند. در زبان فارسی، واژه‌های مزبور در قالب واژه «خطر» مورد اشاره قرار می‌گیرند و این ترتیب معانی متفاوت آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. مخاطره یا «ریسک» به امکان مواجه شدن با حادثه یا احتمال آسیب دیدن یا زیان دیدن یا در معرض صدمه قرار گرفتن اشاره دارد در مقابل «خطر» به قدرت صدمه زدن یا آسیب دیدن اشاره می‌کند. (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

در شرایط کنونی، بیماری کرونا با دامنه شیوع بالایی که در جوامع دارد، عموم مردم را در معرض آسیب قرار داده است. نرخ بالای مرگ و میر ناشی از این بیماری واگیردار حالتی از احساس دائمی نگرانی و اضطراب در جامعه ایجاد کرده است. در چنین شرایطی دولت‌ها سعی دارند تا با استفاده از نهاد پزشکی به مقابله و مهار این بیماری بپردازند. اما متأسفانه شرایط بی‌ثبات و ناپایدار این ویروس به همراه امکان شیوع بالای آن در جامعه، کادر درمانی را از درمان این بیماری تا حد زیادی ناتوان کرده و به کاهش اعتماد اجتماعی نسبت به علم پزشکی و نهاد سیاسی منجر شده است. پیامدهای مذکور، کرونا را به یک مسئله اجتماعی و یا شاید به عبارتی بهتر یک مخاطره جهانی تبدیل کرده است. از این روی محقق در نظر دارد در مقاله حاضر با استفاده از نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک^۵، به بررسی ابعاد و برخی پیامدهای اجتماعی بحران کرونا در جامعه بپردازد، پیامدهای منفی که شاید با کاهش این اپیدمی همچنان در جامعه بمانند و تا سالیان سال نظام اجتماعی را درگیر کنند.

1. Risk
2. Risk
3. Hazard
4. Danger
5. Ulrich beck

پیشینه تجربی و نظری

با توجه به گذشت کمتر از شش ماه از زمان شیوع بیماری کووید ۱۹ در جهان، محققان از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... به بررسی ابعاد و پیامدهای ناشی از این بیماری پرداخته‌اند؛ اما در رابطه با تحلیل ابعاد و پیامدهای اجتماعی این موضوع به مثابه یک مسئله اجتماعی، کارهای تحقیقاتی پراکنده و اندکی در حال حاضر در داخل کشور منتشر شده و بسیاری از آن‌ها ممکن است هنوز در مرحله تدوین، نگارش و یا حتی در انتظار چاپ و انتشار باشند؛ آثاری که تا این لحظه به لحاظ علمی و مدون در رابطه با تحلیل اجتماعی شیوع کووید ۱۹ در داخل کشور منتشر شده است عبارتند از دو کتاب که توسط پژوهشکده مطالعات و تحقیقات اجتماعی تحت عنوان «جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران و ویروس کرونا در ایران» و «جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران» تدوین شده است و هم‌چنین موج اول نظرسنجی ملی تحت عنوان «دیدگاه شهروندان درباره کرونا» که به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام شده است.

علاوه بر موارد فوق تحقیق دیگری مرتبط با موضوع مقاله، توسط کلاته ساداتی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «جامعه مخاطره آمیز، آسیب پذیری جهانی و مقامت‌پذیری شکننده» انجام شده است. نویسندگان این تحقیق معتقدند یکی از مهم‌ترین عواقب شیوع ویروس کرونا، ایجاد اضطراب اجتماعی و نگرانی‌های جدی برای شهروندان در سرتاسر جهان است.

در این زمینه آثار خارجی متعددی نیز طی چندماه اخیر منتشر شده است که اغلب در زمینه پزشکی و اقتصادی بوده و در زمینه جامعه شناسی آثار معدودی وجود دارد از جمله اثری با عنوان «پیامدهای اقتصادی و اجتماعی پاندمی کرونا ویروس و کووید ۱۹: یک مقاله مروری» (۲۰۲۰) نوشته نیکولا و همکاران^۱ که به برخی از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی پاندمی کرونا پرداخته است. محققان معتقدند که ترس از بحران قریب الوقوع اقتصادی و رکود اقتصادی، فاصله‌گذاری اجتماعی، قرنطینه و محدودیت‌های مسافرتی باعث کاهش نیروی کار در تمام بخش‌های اقتصادی و از بین رفتن بسیاری از مشاغل شده است. مدارس تعطیل شده‌اند و نیاز کالاها و محصولات تولیدی کاهش یافته است. در مقابل، نیاز به تجهیزات پزشکی بطور قابل

1. Nicola and et al.

توجهی افزایش یافته است. بخش غذایی نیز به دلیل وحشت خرید و انبار کردن محصولات غذایی، تقاضای زیادی را شاهد بوده است.

در مقاله دیگری تحت عنوان «شیوع کووید ۱۹: مهاجرت، تأثیر بر جامعه، محیط زیست جهانی و پیشگیری» (۲۰۲۰) که توسط چاکرابورتی و میتی^۱ نوشته شده است به برخی پیامدهای بهداشتی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی که شیوع کووید ۱۹ برای کل جمعیت بشر به وجود آورده، اشاره شده است. عمده تأکید این مقاله بر پیامدهای محیطی، اقتصادی و بهداشتی بوده و به پیامدهای اجتماعی نپرداخته است.

در تحقیق دیگری تحت عنوان «تأثیرات اقتصادی- اجتماعی ویروس کرونا جدید: راه‌حل‌های سیاستی» نوشته ایوانس^۲ (۲۰۲۰) به پیامدهای اجتماعی- اقتصادی ناشی از پاندمی کووید ۱۹ اشاره شده است. پیامدهای مورد اشاره عبارتند از: کاهش نرخ تولید ناخالص داخلی کشورها، کاهش مسافرت و صنعت توریسم، کاهش درآمد خانواده‌ها و سوء تغذیه ناشی از آن، تأثیرات منفی پاندمی بر شغل، آموزش و روان افراد و خانواده‌ها، افزایش فقر و کاهش امنیت غذایی، تعطیلی مدارس و مشکلات ناشی از آن از جمله ایجاد وابستگی‌های عاطفی در دانش‌آموزان و روابط خارج از چارچوب خانواده.

در مجموع پیامدهای اجتماعی ناشی از ویروس کرونا در آثار داخلی و خارجی مورد بررسی عبارتند از: افزایش فقر و فشار اقتصادی بر اقشار فرودست، کاهش درآمد و سوء تغذیه ناشی از آن، کاهش امنیت غذایی، تعطیلی مدارس و مشکلات ناشی از آن، تضعیف صنعت توریسم و گردشگری، تحکیم نابرابری آموزشی، زوال روابط انسانی و همسایگی، تضاد کار و زندگی زنان، بازتولید نابرابری جنسیتی در محیط درمان، شکاف دولت و ملت و کاهش اعتماد به دولت، شیوع شبه علم و افزایش نگرانی و اضطراب اجتماعی.

همانطور که ملاحظه شد آثار موجود با رویکرد جامعه‌شناختی در رابطه با موضوع تحقیق، بسیار اندک هستند. آثار خارجی غالباً از جنبه پزشکی، اقتصادی و محیطی به بررسی این پاندمی پرداخته‌اند. در هیچ یک از آثار داخلی نیز به بررسی بیماری کووید ۱۹ به مثابه یک مخاطره جهانی پرداخته نشده است به جز مقاله کلاته ساداتی و همکاران که به لحاظ نظری دارای ضعف

1. Chakraborty and Maity

2. Evans

در تعریف مفهومی مخاطره و جامعه مخاطره‌آمیز است و بیشتر به آسیب‌پذیری جوامع در برابر مخاطرات تاکید داشته و راه حل را در افزایش انعطاف‌پذیری جوامع می‌بیند در حالی که تحقیق حاضر ابتدا به تعریف کرونا به مثابه یک مخاطره جهانی پرداخته و سپس ویژگی‌های مخاطره و جامعه مخاطره‌آمیز را توضیح داده است. همچنین در مقاله کلاته ساداتی و همکاران تنها به اضطراب اجتماعی به عنوان پیامد مخاطره کرونا در جامعه اشاره شده است در حالی که در مقاله حاضر علاوه بر اضطراب و نگرانی اجتماعی به پیامدهای اجتماعی دیگری مانند استانداردزدایی از کار، افزایش فردیت یابی و خودآیینی، کاهش اعتماد اجتماعی به علم، افزایش زمینه بروز شبه علم در جامعه و همچنین کاهش اعتماد اجتماعی به دولت‌ها اشاره و در نهایت با استفاده از نظریه اولریش بک راه‌حل‌های متفاوتی از مقاله مذکور ارائه داده است.

چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق، نظریه «جامعه مخاطره‌آمیز» اولریش بک است. با استفاده از نظریه مذکور، محقق شیوع بیماری کووید ۱۹ در جامعه را یک مخاطره جهانی دانسته و در این راستا به تشریح مفهوم «مخاطره»، ویژگی‌های جامعه مخاطره‌آمیز و فرایندهای شکل دهنده‌ی آن پرداخته که در ادامه (در بخش بحث) به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در پایان نیز برخی پیامدهای اجتماعی ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ در جامعه به مثابه یک مخاطره و راه‌حل‌های آن در چارچوب نظری مورد بحث، بیان شده است.

روش تحقیق

روش به کارگرفته شده در این مقاله، روش مطالعه اسنادی است. روش اسنادی روشی کیفی است که در آن پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۹).

در مقاله حاضر، محقق در چارچوب روش مطالعه اسنادی با استفاده از کلید واژه‌های مخاطره، ابعاد، پیامدها، اجتماعی، کووید ۱۹ (ویروس کرونا) به جستجو در میان منابع دست اول، ثانویه و نوشتاری شامل کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات در تمامی پایگاه‌های داده‌های علمی، سایت‌های مرتبط با نشر آثار پژوهشی داخلی و خارجی و آرشیو نشریات الکترونیکی پرداخت. در نهایت با مرور منظم و سیستماتیک اسناد جمع‌آوری شده و با استفاده از روش فیش برداری الکترونیکی، تکنیک موجی شکل و نقل قول مستقیم، بخش‌های مرتبط از اسناد مذکور جمع‌آوری شد. اسناد

جمع‌آوری شده بازخوانی و تقلیل گردید. سپس با کدگذاری بخش‌های تقلیل شده، متون نهایی در راستای اهداف تحقیق، استخراج گشت.

مفهوم مخاطره

اولریش بک جامعه‌شناس مشهور آلمانی اولین بار مفهوم «جامعه مخاطره‌آمیز»^۱ را مطرح کرده است. او مفهوم جامعه مخاطره‌آمیز را برای بازتاب تغییرات اجتماعی اساسی ارائه داد که مشکلات محیطی را وارد زندگی سیاسی و اجتماعی کرده است. مخاطرات مدرن محصول فعالیت بشری هستند، به عبارتی مخاطرات، ناشی از محیط ساخته شده یا طبیعت اجتماعی‌اند که به سبب نفوذ دانش انسانی در محیط مادی و طبیعی پدید آمده‌اند (Matthewman, 2015: 141).

بک در مقاله «بازنمایی جامعه مخاطره‌آمیز: نظریه، سیاست‌ها و برنامه‌های تحقیقاتی» معتقد است که: «مفهوم مخاطره»^۲ مانند تخریب^۳ نیست. مخاطرات اگرچه تخریب‌های تهدیدکننده‌ای به بار می‌آورند اما به زبان‌های تحمیلی اطلاق نمی‌شوند چرا که اگر اینگونه بود تمامی کارگزاری‌های بیمه ورشکست می‌شدند. او همچنین ادامه می‌دهد که «بحث مخاطره زمانی مطرح می‌شود که اعتماد ما به امنیت و توسعه پایان پذیرد. زمانی که یک فاجعه بالقوه رخ دهد دیگر این مفهوم به کار نمی‌رود. بنابراین مفهوم مخاطره حالت به‌خصوص و میانه‌ای بین امنیت و تخریب است و درک مخاطرات تهدیدکننده، نوع کنش و تفکر ما را تعیین می‌کنند» (Beck, 2000).

بک میان مصائب بشری با مخاطرات تمایز قائل می‌شود. در حالی که مخاطرات ناشی از تصمیمات است، مصائب ناشی از سوانح طبیعی پیشاصنعتی است. خطرات پیشاصنعتی حملات تقدیر بودند که از خارج بر نوع بشر نازل می‌شدند (بک، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵ به نقل از شالچی، ۱۳۹۴: ۸).

اولریش بک برای طرح نظریات خود به فاز بندی مدرنیته پرداخته است. به نظر او نوسازی (مدرنیته) دو فاز یا فرایند شامل مدرنیزاسیون کلاسیک (در قرن ۱۹ و عصر روشنگری) و مدرنیزاسیون جامعه صنعتی (از حدود دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد) را پشت سر گذاشته است و در شکل

1. Risk Society
2. Risk
3. destruction.

جدیدی آشکار شده که می‌تواند تعمیق مدرنیته و ارزش‌های آن قلمداد شود. این جامعه‌ی جدید، جامعه‌ی ریسک است که البته نباید گسست از گذشته محسوب شود (قاسمی، ۱۳۸۸).

این مرحله مدرنیته بازتابی است که با تهدیدات ساخته دست بشر مواجه است. در این مرحله از تاریخ محدودیت‌های نهادهای اجتماعی جاری و دانش و توانایی بشر برای کنترل مخلوقات خود، نمایان می‌شود (Matthewman, 2015: 141).

رویکردهای مختلفی در ارتباط با ساختگی بودن و انتشار عامدانه یا تصادفی ویروس کرونا و یا منشأ حیوانی داشتن آن مطرح شده است. اما همچنان هیچ دلیل علمی و آزمایشگاهی برای این ادعاها وجود ندارد. فرضیات مربوط به ساختگی بودن ویروس کرونا را می‌توان در فرضیات «ویروس کرونا؛ سلاح بیولوژیک آمریکا علیه اقتصاد چین»، «انتقال ویروس کرونا از آمریکا به چین» و «انتشار عمدی یا تصادفی ویروس کرونا از آزمایشگاهی در چین» دانست. در مقابل، برخی با رد نظریه توطئه بر این باورند که این ویروس کاملاً منشأ حیوانی دارد و احتمال جنگ بیولوژیکی بودن آن را رد کرده‌اند.

در هر حال چه منشأ این ویروس را حیوانی بدانیم و چه ساخته دست بشر، چیزی که مشخص است مداخله انسان در طبیعت و نقش غیرمستقیم او با ظهور و گسترش ویروس است.

واعظ جلالی، ویروس‌شناس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، گفت: «یکی از مسائل مهم در مورد ویروس‌های نوپدید تغییر سبک زندگی انسان هاست؛ زیرا انسان‌ها هر روز بیشتر از روز قبل با دخالت در طبیعت، اکوسیستم‌های طبیعت را به خاطر منافع دستکاری کرده و سطح تماس خود را با آن‌ها افزایش داده‌اند؛ در نتیجه ویروس‌ها که موجودات هوشمندی هستند تغییر کرده و توانسته‌اند میزبان‌های جدیدی برای خود پیدا کنند» (ایرنا، ۱۳۹۸).

آخوندی در مقاله مشترکی که با امین زاده در مورد منشأ ویروس کرونا داشته‌اند معتقد به نقش غیرمستقیم انسان از طریق مداخله در طبیعت در ظهور این ویروس است. ایشان معتقدند که بازار تجارت حیوانات وحشی در چین، به نوعی مداخله انسان در طبیعت محسوب شده و منشأ انتقال این ویروس از حیوان به انسان بوده است (آخوندی، ۱۳۹۹).

دستکاری و مداخله در محیط زیست می‌تواند باعث ورود پاتوژن‌ها و سرایت بیماری‌ها از حیوانات وحشی به جامعه بشری شود. براساس تحقیقات جدید منتشر شده، با افزایش تماس بین انسان و محیط زیست «خطر سرایت ویروس» از حیات وحش به انسان افزایش می‌یابد. با

عادی شدن شرایط در ووهان، شهری که اولین بار ویروس کرونا در آن ظاهر شد، مردم به بازارهای محصولات دریایی و دامی شهر هجوم بردند. این مراکز بازرگانی، که تقریباً مانند بازار کشاورزان در کشورهای غربی فعالیت دارند، غالباً حیوانات وحشی و حیوانات اهلی را در محل می فروشند یا ذبح می کنند. دانشمندان معتقدند کووید ۱۹ به احتمال زیاد از طریق یک نوع واسطه مانند خفاش از حیوانات وحشی به انسان ها سرایت کرده است. به همین دلیل گفته می شود یکی از مقصران جدی شیوع کرونا تماس نزدیک با حیوانات وحشی در بازار غذاهای دریایی شهر ووهان باشد (پایگاه خبری زیست آنلاین، ۱۳۹۹).

بک در این باره تأکید می کند که ریسک ها در دنیای معاصر اساساً مبتنی بر تصمیم ها هستند، به ویژه تصمیم هایی که گروه های ذی نفع از جمله سازمان ها و گروه های سیاسی با در نظر گرفتن فواید تکنیکی-اقتصادی و با ملاحظات مربوط به سودمندی خود اتخاذ می کنند (توسلی و وداد هیر، ۱۳۸۸: ۹).

همانطور که ذکر شد، ظهور و شیوع ویروس کووید ۱۹ را می توان حاصل نوعی تصمیم انسانی برای افزایش منفعت، دخالت غیرمستقیم انسان در طبیعت و در نتیجه نوعی مخاطره جهانی به شمار آورد که پیامدها و تبعات اجتماعی فراوانی برای جوامع خواهد داشت. در ادامه با استفاده از نظریه جامعه مخاطره آمیز اولریش بک، پس از بررسی ویژگی ها و فرایندهای شکل دهنده جامعه مخاطره آمیز به برخی از این پیامدهای اجتماعی اشاره شده است.

ویژگی های جامعه مخاطره آمیز

جامعه مخاطره آمیز بک در سه نکته خلاصه می شود: ما با مخاطرات جدیدی روبرو هستیم، مخاطرات دائماً تشدیدشونده و به لحاظ زمانی و مکانی گسترش یابنده هستند (Matthewman, 2015: 141). بک همچنین در خصوص جامعه مخاطره آمیز معتقد است: وقایع فاجعه آمیز رو به ازدیاد هستند، این وقایع (مانند وقایع هسته ای، مالی و آب و هوایی) غیر قابل کنترل بوده و ناگزیر از مواجهه با آن ها هستیم. اما مواجهه با آن ها مستلزم یک سیاست متفاوت دسته جمعی است (Beck, 2000: 23-24).

همانطور که ملاحظه می شود شیوع بیماری کرونا در جامعه تمام ویژگی های مخاطره را دارد. اول اینکه این بیماری برای اولین بار کشف و شایع شده لذا مخاطره جدیدی است، دوم اینکه دامنه و شمار مبتلایان به این بیماری دائماً در حال افزایش است و سوم اینکه این بیماری به لحاظ زمانی

و مکانی گسترش یابنده است، یعنی اینکه در سراسر جهان شایع شده و لحاظ زمانی شیوع این بیماری به طول انجامیده است. کرونا همچنین تا حد زیادی یک بیماری غیرقابل کنترل است. هرچند رعایت پروتکل‌های بهداشتی تا حد زیادی می‌تواند از ابتلای به این بیماری پیشگیری کند؛ اما به دلیل امکان و راه‌های فروان انتقال و شیوع آن در جامعه، دولت‌ها تقریباً از کنترل آن عاجز هستند.

جامعه مخاطره‌آمیز صرفاً از این واقعیت برنمی‌خیزد که زندگی روزانه عموماً خطرناک‌تر شده است. مسئله بیشتر بدون مرز شدن مخاطرات غیرقابل کنترل است. این بدون مرز شدن (بیکرانگی مخاطره) دارای سه بعد است: فاصله‌ای، زمانی و اجتماعی. در بعد فاصله‌ای، ما خود را با مخاطراتی مواجه می‌بینیم که هیچ حد و مرزی از جمله دولت ملت را نمی‌شناسد: تغییرات آب و هوایی یا سوراخ شدن لایه‌ی اوزون که همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طریق مشابه، در بعد زمانی، دوران طولانی نهفتگی خطرها مثل از بین بردن زباله‌های هسته‌ای یا پیامدهای غذایی دست کاری شده ژنتیکی به راحتی قابل جلوگیری و مواجهه نیستند. نهایتاً در بعد اجتماعی، تعیین اینکه چه کسی باعث آلودگی محیطی یا بحران اقتصادی شده و اینکه چه کسی مسئول است سخت می‌باشد (ریتزر، ۲۰۰۵ به نقل از احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

در رابطه با ویروس کرونا هر سه بعد بی‌کرائگی مخاطره وجود دارد: در بعد فاصله‌ای شاهد این هستیم که این ویروس محصور به مرزهای کشور مبداء (چین) نماند و کل جهان را درگیر کرده است. در بعد زمانی، دوران دوام این ویروس و بیماری ناشی از آن در جهان قابل تعیین نیست و در بعد اجتماعی نیز، نمی‌توان به راحتی تعیین کرد که چه کسی مسئول ایجاد این مخاطره بوده است.

از طرفی ترنر (۱۹۹۴) معتقد است که در جوامع صنعتی پیشرفته، مخاطره کارکردی است از وابستگی زیاد ما به نهادهایی مثل دولت، علم پزشکی تخصصی و بازار کار (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). در رابطه با بیماری کرونا نیز مشاهده می‌شود که بشریت به شدت به علم پزشکی برای درمان و مهار این بیماری وابسته است. هر چند تاکنون علم پزشکی مدرن و حاذق‌ترین پزشکان جهان نتوانسته‌اند برای درمان و مهار این بیماری غیرقابل کنترل و پیش‌بینی واکسن و یا داروی قطعی تجویز کنند.

فرایندهای شکل دهنده‌ی جامعه مخاطره‌آمیز

به زعم بک، جامعه‌ی مخاطره‌آمیز تحت تأثیر سه فرایند کلیدی شکل می‌گیرد که خود ادامه فرایندهای آغازین مدرنیته و تعمیق آن‌ها می‌باشد، این سه فرایند عبارتند از: ۱. توزیع مجدد ثروت و مخاطره، ۲. فردیت‌یابی و ۳. استانداردزدایی از کار (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در ادامه هر یک از این سه فرایند در رابطه با مخاطره کرونا تشریح شده است:

۱- توزیع مجدد ثروت و مخاطره

منظور از توزیع مجدد ثروت و مخاطره این است که در جوامع مدرن دعوا بر سر تقسیم ثروت و درآمد و امتیازات و بطور کلی «خوبی‌ها»، «خیرها» و «امور مثبت» بود در حالیکه در جوامع مخاطره‌آمیز مسئله به صورت توزیع «امور منفی» درآمده است و مخاطره در میان تمام جوامع توزیع شده است، مخاطرات حالت جهانی داشته و تمام جمعیت کره زمین را تهدید می‌کنند. کرونا ویروس با درگیر کردن تقریباً همه کشورهای جهان، به یک مخاطره جهانی تبدیل شده است. به تعبیر بک، برخی ریسک‌ها بسیار دموکراتیک و فراگیر عمل می‌کنند و همه شهروندان بدون توجه به سن، جنس، طبقه و موقعیت سیاسی در معرض آن قرار می‌گیرند.

تاریخچه توزیع مخاطره نشان می‌دهد که مخاطرات همانند ثروت با الگوی طبقاتی نسبت عکس دارند: ثروت در طبقات بالا و مخاطرات در طبقات پایین توزیع می‌شوند. به گونه‌ای که مخاطرات جامعه طبقاتی را حذف نکرده بلکه آن را تقویت می‌کند (Beck, 1986).

همانطور که ذکر شد مخاطره به شکل تبعیض آمیزی شهروندان را تهدید می‌کند، یعنی افراد ندار و محروم در مقایسه با افراد ثروتمند و نیز افراد کم‌سواد در مقایسه با باسواد فرصت‌های کمتری برای شناخت ریسک و پرهیز از آن دارند و ملت‌های غنی در مقایسه با ملت‌های فقیر توان بیشتری در مقابله و مدیریت اپیدمی‌های فراگیر دارند. بک در این خصوص می‌گوید: «نابرابری‌های طبقاتی و جامعه مخاطره‌آمیز می‌توانند یکدیگر را بپوشانند و مقید کنند. جامعه مخاطره‌آمیز می‌تواند نابرابری‌های طبقاتی را بازتولید کند» (Beck, 1986).

بر طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، شیوع کرونا باعث رکود اقتصادی در کل دنیا و ازجمله ایران خواهد شد. رکود به معنای کوچک شدن کیک اقتصاد بوده و بنابراین بیشتر گروه‌ها کاهش در درآمد حقیقی را خواهند داشت. اما باید توجه داشت که دهک‌های پایین درآمدی

بیشتر صدمه خواهند دید. برخی از ویژگی‌های گروه‌های پایین درآمدی باعث می‌شود تا تأثیر شوک ناشی از کرونا در این گروه‌ها بیشتر باشد (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۲).

چندی پیش پایگاه خبری یورونیوز^۱ نوشت، بر اساس آمار و ارقام منتشر شده از شمار مبتلایان و جانباختگان آمریکا حتی در برخی از ایالت‌ها که سیاهان اکثریت نیستند، تعداد ابتلا و مرگ و میر سیاه‌پوستان بیش از سایرین است؛ با اینکه آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار تنها یک چهارم جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند، اما ۴۵ درصد مبتلایان و ۷۰ درصد جانباختگان متعلق به این گروه است (قدکپور، ۱۳۹۹).

همانطور که آمارها نشان می‌دهد، توزیع بیماری کرونا در برخی جوامع مانند آمریکا نابرابر بوده و افراد فقیرتر و اقلیت‌هایی مانند سیاهپوستان بیشتر در معرض ابتلا و مرگ و میر ناشی از این بیماری هستند. افراد فقیرتر و اقشاری مانند کارگران بیش از سایرین ملزم به کار کردن در محیط‌های شلوغ و آلوده هستند. آن‌ها همچنین بیش از سایرین از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کرده و امکان استفاده از تجهیزات بهداشتی کافی را ندارند. بدیهی است که در چنین شرایطی احتمال ابتلای افراد فقیر به مخاطراتی مانند بیماری کرونا بیشتر از افراد غنی در جامعه خواهد بود.

از طرف دیگر آمارها نشان می‌دهد که تاکنون بیشترین میزان مبتلایان به کرونا در جهان تا این لحظه، به ترتیب بیش‌ترین میزان فراوانی در کشورهای ایالات متحده آمریکا، برزیل، روسیه، اسپانیا، انگلیس، ایتالیا، هند و آلمان وجود دارند. البته این آمارها به دلیل یکسان نبودن زیرساخت‌های آزمایشگاهی و انجام تست‌های کرونا در کشورهای مختلف تا حدودی دارای خطا خواهند بود، اما به صورت تقریبی می‌توان با اتکای به آن‌ها گفت که حتی دولت‌های غنی نیز نتوانسته‌اند از شیوع این بیماری در جامعه خود جلوگیری کنند.

اما برای قضاوت کردن در مورد آینده این مخاطره در جهان شاید هنوز زود باشد و باید دید که در چند ماه آینده آیا الگوی ابتلا و فوت ناشی از این بیماری با توجه به سطح غنای جوامع و افراد تغییر خواهد کرد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که در بلندمدت کشورهای فقیرتر در مبارزه با این بیماری چندان موفق عمل نخواهند کرد. چین به عنوان نمونه یک کشور غنی توانست این بیماری را با ایزوله فیزیکی و اجرای تمامی اصول قرنطینه تا مرز ریشه‌کن شدن پیش ببرد. ایران

1. Euronews

نیز سیاست قرنطینه خانگی را در پیش گرفت اما چندان در اجرای این سیاست موفق نبود. حال این سوال مطرح می‌شود که چرا یک سیاست یکسان در دو کشور متفاوت از نظر سطح توسعه‌یافتگی و غنا نتایج متفاوتی داده است؟ شاید دلیل تفاوت نتیجه را بتوان با تاکید بر نظریه بک در تفاوت سطح ثروت این دو کشور یافت. کشور چین با تامین نیازهای مردم در مدتی که در قرنطینه بودند توانست به خوبی بیماری کرونا را مهار کند. اما آیا ایرانیانی که به نان شب محتاج بودند تحت حمایت ویژه‌ای توسط دولت در دوره‌ی اول قرنطینه (دو هفته اول فروردین ماه) قرار گرفتند؟ طبیعی است که در چنین شرایطی اقشار ضعیف‌تر شکننده‌تر بوده و در نهایت با تحلیل هزینه فایده، قرنطینه را خواهند شکست و علی‌رغم وجود تهدید، به جامعه وارد خواهند شد. آیا دولت ایران همزمان با اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی مشاغل پرخطر راهی برای تامین معاش این گروه داشت؟ علاوه بر این استفاده کشورهای توسعه‌یافته‌تر مانند چین از امکانات و تجهیزاتی مانند سنسورهای حرارتی سنجش تب، پهبادهای هشداردهنده، ربات‌های ضد عفونی‌کننده، تجهیزات کنترل‌کننده و مواردی از این قبیل دست به دست هم می‌دهد و باعث می‌شود که این کشور با استفاده از پشتوانه مالی خود موفق‌تر از ایران در مهار این بیماری عمل کند.

اما نکته قابل توجه این است که چرا آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مانند ایتالیا و اسپانیا علیرغم وجود منابع مالی نتوانستند کرونا را مهار کنند؟ شاید علاوه بر ثروت عوامل دیگری نیز در مهار این بیماری وجود دارد که چین را موفق و آمریکا و کشورهای اروپایی را ناموفق جلوه داده است. عواملی مانند نوع نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشورها، نحوه مدیریت بحران و مواردی از این قبیل که هر کدام جداگانه جای بحث دارند و از موضوع این مقاله خارج است.

۲- فردیت‌یابی

فرایند دوم جامعه مخاطره‌آمیز «فردیت‌یابی» است. منظور از فردیت‌یابی این است که فرصت‌ها، تهدیدها و دوگانگی‌های احساسی زندگی که قبلاً امکان غلبه بر آن‌ها در گروه و اجتماع وجود داشت اکنون باید توسط خود افراد درک، تفسیر و کنترل شود. این افراد در عین حال به ساختارهای نهادی وابسته هستند از این روی پارسونز از مفهوم «فردگرایی نهادینه شده» استفاده می‌کند (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

در رابطه با شیوع کرونا، سرنوشت مردم جهان در عین داشتن آزادی انتخاب، تا حد زیادی به تصمیمات نهادهایی مانند دولت‌ها و نظام پزشکی جوامع وابسته است. به عبارتی مردم، مختار به تعیین سرنوشت خود هستند، می‌توانند موارد بهداشتی را رعایت کنند و احتمال ابتلای خود را به کرونا کاهش دهند و یا اینکه به سفر رفته، توصیه‌های بهداشتی را رعایت نکنند و احتمال ابتلای خود را به این بیماری افزایش دهند؛ اما در عین حال که دارای آزادی انتخاب و مسئول رفتارهای خود هستند، تصمیمات دولت، وزارت بهداشت و به طور کلی نهاد پزشکی جامعه نیز بر سرنوشت آن‌ها مؤثر خواهد بود.

۳- استانداردزدایی از کار

منظور از «استانداردزدایی از کار»، زیر سوال رفتن قطعیت‌ها در دوران اخیر تحت تأثیر تحولات گوناگون است. با شیوع ویروس کرونا، اشکال جدیدی از کار از جمله شیفت‌بندی کارمندان، دورکاری، کار از طریق فضای مجازی و مواردی از این قبیل شکل گرفته که شکل قراردادهای کاری و نحوه استخدام و به کارگیری نیروها را دچار تغییر کرده است و به تعبیر بک، در چنین شرایطی کم‌اشتغالی کثرت‌یافته^۱ شکل می‌گیرد. در این شرایط افراد غالباً در شرایط بی‌ثباتی و عدم قطعیت شغلی به سر برده و بیم از دست دادن کار خود را دارند (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

در هفته‌های نخستین فروردین امسال در نتیجه شیوع بیماری کرونا در جامعه بسیاری از صاحبان مشاغل پرخطر که خدمات آن‌ها غیرضروری تشخیص داده شد، مجبور به تعطیلی کسب و کار خود در روزهای ابتدایی سال جدید شدند و شغل خود را هرچند به صورت موقت از دست دادند. مابقی افراد شاغل نیز تحت تأثیر شرایط جامعه و سیاست‌های فاصله‌گذاری اجتماعی مجبور به دورکاری و کار شیفتی شدند که همگی به نوعی عدم ثبات و کاهش امنیت شغلی را تجربه کردند.

مرکز پژوهش‌های مجلس در مطالعه‌ای ابعاد اقتصاد کلان شیوع ویروس کرونا در کشور را به شکل کمی تخمین زد. نتایج این مطالعه حاکی از این است که تحت سناریوهای مختلف بین ۴ تا ۷ درصد از ستانده اقتصاد (عرضه و فروش در اقتصاد) در نتیجه شیوع ویروس کرونا

1. pluralized underemployment

کاهش خواهد یافت. همچنین تهدید از دست رفتن اشتغال ۲ میلیون و ۸۷۰ هزار نفر تا ۶ میلیون و ۴۳۰ هزار نفر، حداقل به شکل مقطعی وجود خواهد داشت (عبدالهی محمدرضا، ۱۳۹۹: ۲۷). این وضعیت در سایر کشورهای درگیر با بیماری از جمله آمریکا نیز صادق است. نرخ بیکاری در ایالات متحده آمریکا به دلیل تعطیلی کسب و کارها در اثر شیوع ویروس کرونا به ۱۴.۷ درصد رسیده است که بالاترین نرخ بیکاری در تاریخ این کشور پس از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ به شمار می رود. تنها در ماه آوریل، ۲۰.۵ میلیون نفر در آمریکا کارشان را از دست دادند و در مجموعه در دو ماه اخیر تعداد بیکاران در آمریکا به بیش از ۳۳ میلیون نفر رسیده است. تنها دو ماه قبل و پیش از شیوع ویروس کرونا در آمریکا، نرخ بیکاری در این کشور ۳.۵ درصد بود که کمترین میزان بیکاری در تاریخ ۵۰ سال گذشته آمریکا به شمار می رفت. یکی از بدترین شرایط در بخش اوقات فراغت، هتل ها و رستوران داری در آمریکا اتفاق افتاده است که در آن ۷.۷ میلیون نفر یا ۴۷ درصد افرادی که در این بخش کار می کرده اند، بیکار شده اند (یورونیوز، ۲۰۲۰).

برخی پیامدهای اجتماعی مخاطره کرونا در جامعه

همانطور که ذکر شد، بیماری کرونا هم اکنون به یک مخاطره جهانی تبدیل شده است که زندگی میلیون ها نفر از مردم جهان را تهدید می کند. شیوع این مخاطره ی غیرقابل کنترل با پیامدهای اجتماعی قابل ملاحظه ای همراه بوده است. پیامدهایی مانند افزایش نرخ بیکاری در جوامع و به دنبال آن افزایش فقر و سایر آسیب های اجتماعی، افزایش و بازتولید نابرابری های اجتماعی در جنبه های مختلف مانند نابرابری آموزشی، کاهش اعتماد به دولت، کاهش روابط بین فردی، خانوادگی و اجتماعی، شیوع شبه علم در جامعه، افزایش اضطراب و نگرانی اجتماعی، آنومی و مواردی از این قبیل. که در این مقاله مجال پرداختن به تمام آن ها وجود ندارد و با توجه به چارچوب نظری استفاده شده، به افزایش نگرانی در جامعه و کاهش اعتماد اجتماعی به نهاد علم و حاکمیت و ایجاد زمینه ی شیوع شبه علم در جامعه به عنوان پیامدهای اجتماعی ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ در جامعه، پرداخته شده است. لازم به ذکر است که علاوه بر پیامدهای مذکور، در متن مقاله نیز به طور ضمنی به پیامدهایی مانند استانداردزدایی از کار، افزایش فردیت یابی (خودآیینی) و بازتولید نابرابری های اجتماعی در بخش فرایندهای شکل دهنده جامعه مخاطره آمیز اشاره شده است.

۱- افزایش نگرانی در جامعه

به نظر گیدنز (۱۹۹۹: ۳) جامعه مخاطره‌آمیز «جامعه‌ای است که به نحو فزاینده‌ای در مورد آینده (و اغلب ایمنی) نگران است و این نگرانی مفهوم مخاطره را پدید می‌آورد». یک نیز مدعی است که در حالی که در جوامع ماقبل مدرن انسجام بر پایه‌ی «نیاز» بود، انسجام دنیای معاصر بر پایه‌ی «نگرانی» است. گیدنز معتقد است که دانش‌های مدرن نتوانسته و نمی‌توانند آگاهی کامل در مورد شرایط و پیامدهای مخاطرات فراهم کرده و قطعیت و آرامش مورد نیاز را برای افراد فراهم نمایند. او خود در این مورد می‌نویسد: «در دنیای جدید همه درها به روی انواع احتمالات باز است» (گیدنز، ۱۳۸۹: ۵۰). در این شرایط است که آگاهی از مخاطره، همواره با نگرانی همراه است. اما با وجود این، نگرانی در جریان زندگی روزمره به فراموشی سپرده می‌شود و هرازگاهی و معمولاً به دنبال بروز حوادث و فجایع انسانی یا طبیعی برای مدتی سر برمی‌آورد. این روزها با شیوع و گسترش ویروس کرونا در جامعه به مثابه یک مخاطره جهانی، زمینه بروز نگرانی و ناامنی در جامعه فراهم شده است.

از نظر یک، امروزه نظام ارزشی جامعه «نابرابر» جای خودش را به نظام ارزشی جامعه «نامن» داده است. در حالی که اتوپیای برابری شامل گنجینه‌ای از اهداف مثبت و اساسی تغییر اجتماعی است، اتوپیای جامعه مخاطره‌آمیز، به طور ویژه‌ای منفی و تدافعی می‌ماند، به عبارت ساده‌تر، فرد بیشتر از اینکه به دنبال کسب خوبی باشد به دنبال پیشگیری از بدی است (Beck, 2009). از طرفی احساس اطمینان هنگامی شکل می‌گیرد که بخش‌های جمعیت این تلقی را داشته باشند که آینده‌شان قابل پیش‌بینی و تحت کنترل است. این احساس عموماً با توزیع منابع مادی و قدرت در جمعیت نسبت دارد (شالچی، ۱۳۹۴: ۹).

صرف وجود داشتن و زنده بودن، ما را در معرض مخاطرات بی‌شماری قرار می‌دهد. ما باید در کنار دیگران غذا بخوریم، نفس بکشیم و زندگی کنیم. آلاینده‌ها، ویروس‌ها و سایر مخاطرات از تمام نواحی به سمت ما می‌آیند: از طریق هوا و در جریان آب اقیانوس‌ها، از طریق سوخت و غذاهایمان از طریق شبکه‌های کامپیوتری، از طریق مهاجران و مسافران هوایی، از راه دستکاری در ژن‌ها و در تعامل با رسانه‌های جمعی. فهم تمام این موارد در روابط ما با واقعیت تغییرات اساسی ایجاد می‌کند. در مواجهه با چنین عدم قطعیت‌هایی ترس شایع شده و اضطراب پایه شکننده همبستگی اجتماعی می‌شود (Beck, 1986).

شیوع ویروس کرونا در جامعه با تغییرات اجتماعی قابل ملاحظه‌ای همراه بوده است، از جمله این تغییرات می‌توان به کاهش فعالیت و یا تعطیلی بسیاری از مشاغل و اصناف در خلال طرح فاصله‌گذاری اجتماعی در فروردین ماه اشاره کرد. شیوع این بیماری به صورت پیش‌بینی‌ناپذیری در جهان ادامه دارد و هیچکس از آینده آن خبر ندارد، همین قضیه زمینه نگرانی عمومی را ایجاد کرده است. نگرانی که بخشی از آن ناشی از ماهیت غیرقابل پیش‌بینی این بیماری در جامعه و احساس ناامنی هستی‌شناختی ناشی از آن است. اینکه افراد، دیگر در جامعه، در محل کار و حتی در میان خویشان نیز احساس امنیت نداشته و دائماً ترس از ابتلای به بیماری دارند. بیماری‌ای که به شدت سخت بوده و حتی ممکن است منجر به فوت انسان گردد. بیماری‌ای که درمان و واکسن ندارد، سن و جنس و طبقه نمی‌شناسد و همه افراد جامعه را اعم از فقیر و غنی، زن و مرد، پیر و جوان و میانسال تهدید می‌کند.

بخشی دیگری از این احساس ناامنی و نگرانی ناشی از شرایط بی‌ثبات و متغیر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های کلان دولتی است. عدم انسجام و هماهنگی میان نهادهایی مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بدنه دولت و مواردی از این قبیل منجر به تصمیمات بعضاً متعارض و منافی منافع مردم گشته است. به طور مثال اکثر مردم سوالاتی مانند این را در ذهن دارند که چرا دولت طرح فاصله‌گذاری اجتماعی را در هفته اول فروردین ماه اجرا نکرد؟ چرا شهرهای آلوده قرنطینه نشدند؟ و سوالاتی از این قبیل که نشان از بی‌ثباتی و تعارض تصمیمات نهادهای اجرایی در مقابله با بیماری کرونا دارند. این بی‌ثباتی و ناپایداری تصمیمات در ایران تا حدی ناشی از ذات این مخاطره جهانی است و تا حدی نیز از ناکارآمدی و نقصان عقلانیت در بوروکراسی ناشی می‌شود که تصمیمات دائماً تغییر کرده و بعضاً فاقد پشتوانه علمی و کارشناسی است.

در تحلیل بک و گیدنز علاوه بر مخاطره، «احساس مخاطره» نیز مهم است. این احساس بر اثر نفوذ آگاهی علمی در زندگی روزمره شکل گرفته و باعث برانگیختن حس نگرانی می‌شود.

در این میان علاوه بر شیوع ویروس کرونا، شرایط خاص جامعه ایران نیز این احساس نگرانی را دوچندان کرده است. قرار گرفتن کشور تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و دارویی، ذهن بسیاری از مردم را نگران کرده است. تعطیلی مشاغل در پی شیوع کرونا در جامعه‌ای که برخی از اقشارش به نان شب محتاجند چه بلایی می‌تواند بر سر روح و روان مردم بیاورد. بیکاری، تورم،

گرانی، فقر و تحریم هر یک به تنهایی می‌تواند در چنین شرایطی مخاطره کرونا را به عامل اساسی برای ایجاد احساس ناامنی، ترس و نگرانی دائمی در جامعه ایران تبدیل کند. بک می‌گوید مخاطرات جهانی منجر به شناخت گسترده‌ای از پیامدهای نامطلوب مدرنیته بر محیط زندگی شده و آثار روانشناختی و جامعه‌شناختی خاصی دارند. به لحاظ جامعه‌شناختی، مفاهیم مشترک ایمنی و امنیت تنزل پیدا می‌کنند. (بک، ۲۰۰۲) و به لحاظ روانشناختی، اضطراب و ناامنی بخش کاملی از شرایط مدرن می‌شوند (Mythen, 2004: 4).

بر طبق نظرسنجی که موسسه گالوپ^۱ پس از شیوع بیماری کرونا انجام داده است، احساس ترس و نگرانی در پی شیوع کرونا بسیار بیشتر از میزان نگرانی‌های قبلی در پی شیوع بیماری‌های واگیردار قبلی مانند سارس است (McCarthy, 2020).

گزارش منتشر شده‌ای در سایت مرکز تحقیقاتی پیو^۲ نیز نشان داد که حدود یک سوم آمریکایی‌ها (۳۳٪) سطوح بالایی از اضطراب روانی را در طی دوره شیوع کرونا تجربه کرده‌اند. در این میان افرادی که در کشورهایی زندگی می‌کنند که بیشترین تعداد مرگ و میر در افراد مبتلا به کووید ۱۹ را دارند، نسبت به سایرین در مناطقی با تعداد کمتر مرگ و میر، فشارهای روانی بالاتری را تجربه می‌کنند (Keeter, 2020).

در مواجهه با بیماری کرونا در ایران، مردم با مراجعه مکرر به آمارهای رسمی و غیررسمی تعداد مبتلایان، تعداد بهبودیافته‌گان و حتی تعداد فوت‌شدگان ناشی از این بیماری دائماً در حال مقایسه و محاسبه درصد مرگ و میر و نرخ بهبودی ناشی از این بیماری در جامعه و مقایسه آن با سایر جوامع هستند. اخبار صدا و سیما هم به این درک مردم از مخاطره و احساس نگرانی ناشی از آن دامن زده است.

براساس آخرین نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با موضوع «بررسی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا» که در سطح کشور و به صورت تلفنی در هفته آخر فروردین ۱۳۹۹ انجام شده است، ۶۱.۳ درصد پاسخگویان از ابتلای خود یا یکی از اعضای خانواده‌شان به ویروس کرونا بسیار نگرانند. این در حالی است که ۱۹.۷ درصد افراد چندان نگران ابتلای خود یا خانواده‌شان به این ویروس نیستند. ۱۸.۱ درصد پاسخگویان نیز تا حدی از ابتلای خود یا

1. gallup

2. Pew research center

نزدیکان‌شان به ویروس کرونا احساس نگرانی دارند (گزارش نظرسنجی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا، ۱۳۹۹: ۲۴).

۱- کاهش اعتماد اجتماعی به نهاد علم و زمینه سازی برای رواج شبه علم در جامعه نگرش مردم جوامع امروزی نسبت به مخاطرات تغییر پیدا کرده است. آن‌ها دیگر مخاطرات را به عنوان نوعی تقدیر و سنت ازلی نمی‌پذیرند و درصدد کنترل و مدیریت آن‌ها هستند؛ از این روی افراد با افزایش دانش در مورد مخاطرات، به نظام‌های تخصصی روی آورده و درصدد کاهش یا حذف مخاطرات هستند. همچنین جامعه با ساخت عبارت‌هایی مانند «شهدای سلامت» و «مدافعان سلامت» در حال بازتولید نگرشی از مخاطره است که تکیه مردم را بیش از پیش به نظام تخصصی پزشکی بیشتر کرده است. در این شرایط مشکلات اقتصادی و معیشتی برخی از مردم مانع از آن شده است که توجه به مخاطره ویروس کرونا و کاهش آن را در اولویت برنامه‌های زندگی خود قرار دهند و تنها چشم یاری به جامعه پزشکی در درمان و مهار این بیماری دارند.

در جامعه مخاطره‌آمیز در کنار وابستگی مردم به نهادهای تخصصی، اعتقاد آن‌ها به تدریج به علم و عالمان متخصص کمرنگ می‌شود، به عبارتی اقتدار دانش تکنیکی در حال رکود و کاهش است. زمانی که علم پزشکی از شناسایی و مقابله با ویروس کرونا ناتوان است به تدریج از اقتدارش در جامعه کاسته می‌شود. جامعه پزشکی در درمان بیماری کرونا در حال حاضر تنها به صورت آزمون و خطا پیش رفته و مکانیسم قطعی برای درمان این بیماری ندارد؛ بک معتقد است در جامعه مخاطره‌آمیز، کارکرد علم و تکنولوژی تغییر پیدا می‌کند. طی دو قرن اخیر در کشورهای غربی، نظر دانشمندان جایگزین تقدیر شده است. اما به صوت متناقضی هر قدر که علم و تکنولوژی در مقیاس جهانی بیشتر زندگی را تحت نفوذ خود درآورده و تغییر می‌دهد، اقتدار این متخصصان کمتر می‌شود (Beck, 2009).

در شرایط زوال اقتدار علم، زمینه برای رواج شبه علم در جامعه مساعدتر خواهد شد. «شبه‌علم» به ادعاهای، باورها، یا کارهایی گفته می‌شود که به غلط با عنوان علم ارائه می‌شوند، ولی بر پایه‌ی روش علمی نیستند.

ادعاهای شبه علمی به ندرت به یافته‌ها و نتایج تجربی قبلی استناد می‌کنند. درعوض این ادعاهای غالباً برای اولین بار ارائه می‌شوند، خود الگو بوده و وابستگی بسیار کمی به اصول و روش‌های

علمی پیشین دارند. در نتیجه شواهد اندکی برای نشان دادن اعتبار خود دارند (کاظمی و صبوری، ۱۳۹۴: ۱۶).

زمانی که مردم از توانایی علم پزشکی مدرن در درمان و مهار این بیماری ناامید می‌شوند، زمینه برای رواج شبه علم در جامعه مستعد می‌شود؛ از این روی ممکن است برخی از مردم در اثر تبلیغات سوء برخی سودجویان و در اثر ضعف سواد رسانه‌ای و علمی به روش‌های غیرعلمی برای مهار و درمان بیماری کووید ۱۹ روی آورند که تبعات و آسیب‌های جبران ناپذیری برای جوامع خواهد داشت. مصرف الکل‌های مختلف به صورت خوراکی که متأسفانه منجر به کشته و نابینا شدن تعدادی از مردم شد و همچنین مواردی مانند نوشیدن ادرار شتر یا درمان‌های بی‌اساس گیاهی برای کرونا از جمله مثال‌های بارز این آسیب‌ها بود.

۲- کاهش اعتماد اجتماعی به نهاد سیاسی

از نظر بک این عدم اطمینان یا سوءظن به علم و تکنولوژی محدود نشده و می‌توان آن را در فرسایش «اعتماد» نسبت به نهادهای حاکم اجتماعی و سیاسی از قبیل دولت نیز مشاهده کرد. سیاست‌مداران و صاحبان قدرت در جامعه مخاطره‌آمیز جهانی، دیگر حاملان صرف قدرت و اعمال آن نیستند؛ بلکه آن‌ها نیز در کنار دانشمندان علوم طبیعی و دیگر برگزیدگان حوزه علم و فناوری و تکنوکرات‌ها در معرض نقدها و چالش‌های مختلف قرار می‌گیرند (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸).

طبق نظرسنجی موسسه گالوپ، در ماه گذشته ۷۷٪ از آمریکایی‌ها به توانمندی دولتشان برای مقابله با بیماری کرونا اعتماد داشتند که این میزان بیشتر از میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به دولت در مقابله با بیماری‌های واگیردار قبلی بوده است. اما پس از گذشت یک ماه، این اعتماد اجتماعی به میزان قابل توجهی (۱۶٪) کاهش یافت. در حال حاضر ۶۱٪ آمریکایی‌ها به توانایی دولت برای مقابله با بیماری کرونا اعتماد دارند. این روند نشان دهنده کاهش اعتماد اجتماعی به دولتها و نهاد حاکمیت در شرایط مخاطره است (McCarthy, 2020).

براساس نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با موضوع «بررسی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا»، ۳۲.۷٪ پاسخگویان به میزان کمی به اقدامات دولت در خصوص مدیریت کرونا اعتماد دارند. این در حالی است که ۲۸.۲٪ افراد پاسخگو میزان اعتماد خود به سیاست‌ها و اقدامات دولت در این خصوص را زیاد ارزیابی کرده اند. ۳۲.۶٪ افراد نیز تاحدودی به

اقدامات دولت در خصوص مدیریت کرونا اعتماد دارند (گزارش نظرسنجی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا، ۱۳۹۹: ۳۶).

همزمان با شیوع و گسترش بیماری کرونا در دنیا، اعتماد اجتماعی به دولت‌ها نیز تا حد زیادی زیر سوال رفته است. زیرا دولت‌ها در مقابله و کنترل این بیماری تا حد زیادی ناتوان هستند. دولت ایران نیز در شرایط جدیدی از عدم قطعیت قرار گرفته است. لذا طبیعی است که نتواند تصمیمات بلندمدت و قطعی برای مهار و کنترل این بیماری بگیرد و از این روی تا حد زیادی اعتماد اجتماعی به خود را از دست خواهد داد و مردم به نوعی خودآیینی دست پیدا می‌کنند. شرایطی که در آن هر کس مختار به انتخاب سرنوشت خود است. یک از این شرایط به قرار گرفتن فضایی بیشتر برای کنشگران برای «شکل دادن» به سرنوشت خود تعبیر می‌کند. در شرایط نسبتاً نامطلوب تأمین اجتماعی و رفاهی، برخی از مردم با تحلیل هزینه فایده ماندن در خانه، گزینه بیرون رفتن را بر ماندن در خانه ترجیح دادند. برخی دیگر از مردم معتقدند که حتی با بازشدن مدارس و دانشگاه‌ها مانع مدرسه و دانشگاه رفتن فرزندان خود خواهند شد. همانطور که ملاحظه می‌کنید نوعی از کثرت‌گرایی، آنومی و آشفتگی اجتماعی به دنبال کاهش اعتماد اجتماعی به دولت در جامعه در حال ظهور و بروز است.

نتیجه‌گیری

به اعتقاد یک مخاطرات تمایل به جهانی شدن دارند به طوریکه حیات تمام مردم جهان را به یک اندازه تهدید می‌کنند. شیوع بیماری کووید ۱۹ به مثابه یک مخاطره جهانی مطرح شده و بالتبع راه‌حل مقابله با آن نیز جهانی خواهد بود. این مسئله در واقع زمانی به صورت کامل حل خواهد شد که تمام مردم جهان برای حل آن همبسته و یکپارچه شوند. در این مسیر راه‌حل‌های محلی گرچه لازمند اما بدون داشتن چشم‌اندازهای جهانی، حل کردن چنین مسائل فراملی ممکن نیست.

اولریش یک علی‌رغم تمام توصیفاتی که از جامعه مخاطره‌آمیز می‌کند، نسبت به آینده جهان بدبین نیست و برای تحلیل تعارضات اجتماعی مدرنیته دوم از مفهوم «جهان‌وطنی» بحث می‌کند. جهان‌وطنی شدن به معنای جهانی‌شدن داخلی و جهانی‌شدن از درون جوامع ملی است. باتوجه به این مفهوم می‌توان گفت که در جامعه مخاطره‌آمیز کنونی، راه‌حل مخاطرات جهانی نیز فراتر از مرزهای ملی کشورها قرار دارد. در مقابله با بیماری کرونا تمام جهان باید یکپارچه شوند

و به راه‌حلی ورای دولت‌های محلی خود دست یابند. کمالینکه شاهد تعاملات جهانی و بین‌المللی بین دولت‌ها و پزشکان سراسر جهان برای حل این مخاطره جهانی هستیم. کشورها سعی دارند از تجارب مثبت و منفی هم در این زمینه استفاده می‌کنند، طرح‌های جهانی مانند طرح فاصله‌گذاری اجتماعی برای حل این مساله و مواردی از این قبیل نیز جملگی نشان‌دهنده شاخصه جهان وطنی بودن راه حل مقابله با بیماری کروناست.

بک معتقد به سازمان‌های فراملیتی برای مقابله با مخاطرات جهانی است و می‌گوید نهادهای فراملیتی حاضر به این وظیفه خود هنوز عمل نکرده‌اند. او از خود می‌پرسد که چطور می‌توان جوامع مخاطره‌آمیز که از طریق مرزهای محلی و شکاف‌های اجتماعی ایجاد شده‌اند را تصور کرد؟ جوامعی که احتمالات، روابط و کنش‌های جدیدی را می‌گشایند. بک معتقد است برای دستیابی به چنین جوامعی سه مانع باید برداشته شوند: ۱. سلطه غرب باید به چالش کشیده شود و صدای ملت‌های ضعیف‌تر باید شنیده شود. ۲. عام‌گرایی باید جایگزین خاص‌گرایی شود، در غیر اینصورت مسائل خاص تاریخی مربوط به سیاست‌های جهان‌وطنی حل نخواهند شد. ۳. تمایل به دیدن امور به صورت منظم و سیستماتیک باید حفظ شود (Matthewman, 2015: 142)

آمارهای ابتلا و فوت ناشی از بیماری کووید ۱۹ در جهان نشان داد که کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا که مدعی علم مدرن و تمدن و فرهنگ جهانی هستند، در مقابله با این بیماری عملکرد بسیار ضعیفی داشتند. در مقابل برخی کشورهای ضعیف‌تر مانند کره جنوبی و ژاپن عملکرد بسیار بهتری در مهار و کنترل این بیماری نسبت به کشورهای غربی داشتند. این تجربه به دنیا ثابت کرد که در مقابله با مخاطرات جدید بایستی صدای ملت‌های ضعیف‌تر نیز شنیده شود. باید سراغ آن‌ها رفت و از تجربیات آن‌ها در مهار این بیماری آموخت.

باتوجه به نظریات اولریش بک، راه حل دیگری که برای حل مخاطرات جهانی پیشنهاد می‌شود، «تعمیم مسئولیت» و «محاسبه‌پذیری مردم‌سالارانه» است. نمونه‌های این تعمیم مسئولیت و محاسبه‌پذیری مردم‌سالاری شامل «حق اطلاع» از تصمیم‌های دولت و شرکت‌ها، یعنی تصمیماتی که بر زندگی مردم اثر می‌نهد.

دولت‌ها بدون کمک مردم نخواهند توانست مخاطراتی مانند شیوع بیماری کووید ۱۹ را در جامعه به طور کامل مهار کنند. در دوران صنعتی، دولت‌ها با ارایه راه‌حل‌های قطعی تا حد زیادی می‌توانستند مسائل اجتماعی را کنترل کنند اما در دوره مدرنیته بازتابی و عدم قطعیت‌ها، دولت‌ها

در مواجهه با مخاطرات جدید و غیرقابل پیش بینی ناگزیر از روی آوردن به ملت‌ها برای کمک به منظور حل مخاطرات هستند. دولت‌ها دیگر به تنهایی راه حل‌های قطعی برای حل مخاطرات نخواهد داشت. از طرف دیگر با افزایش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مردم جوامع نسبت به تصمیمات دولت‌ها و تأثیر آن‌ها بر سرنوشت‌شان آگاه‌تر شده و سعی دارند با افزایش فردیت به نوعی در سرنوشت آینده خود نقش داشته باشند. نمونه این امر را در بسیاری از واکنش‌های اخیر مردم در مواجهه با تصمیمات دولت در شرایط شیوع بیماری کووید ۱۹ در جامعه شاهد بودیم. به عنوان مثال بسیاری از خانواده‌ها علی‌رغم بازشدن مدارس، از فرستادن فرزندان خود به مدرسه جلوگیری کرده و سعی کردند نسبت به سرنوشت فرزندان خود فعالانه واکنش نشان دهند. مواردی از این قبیل نشان از آمادگی جامعه برای نظارت بر تصمیمات دولت و مشارکت فعالانه در تعیین سرنوشت خود دارند.

در این شرایط دولت ایران نیز باید با شفاف‌سازی آماری و اطلاعاتی و همچنین مطلع کردن مردم از تصمیمات حیاتی و مهم در مقابله با بیماری کرونا به هنجارهای مردم‌سالارانه پایبند باشد. این مساله به تدریج با کاهش فاصله دولت-ملت منجر به افزایش اعتماد اجتماعی مردم به دولت و مشارکت بیشتر آن‌ها در حل مخاطره جهانی کرونا خواهد شد.

در پایان به تعدادی از راهکارهای پیشنهادی (توصیه‌های سیاستی) منتج از مقاله اشاره می‌شود:

۱) حمایت ویژه از اقشار کم‌درآمد و فرودست جامعه. همانطور که ذکر شد توزیع مخاطره در جوامع نابرابر است و در میان اقشار پایین‌تر به دلیل استفاده بیشتر از وسایل حمل و نقل عمومی، انجام کارهای روزمزدی، دسترسی کمتر به خدمات و امکانات بهداشتی-درمانی و همچنین مواردی مانند نوع تغذیه، محل سکونت و به طور کلی سبک زندگی، بیشتر خواهد بود. از این روی ضرورت دارد تا دولت‌ها نسبت به حمایت ویژه از اقشار آسیب‌پذیر در مواجهه با بیماری کرونا اقدامات حمایتی جدی‌تر و برنامه‌های بلندمدت‌تری داشته باشند.

۲) لزوم شفاف‌سازی آماری و اطلاعاتی و همچنین مطلع کردن مردم از تصمیمات حیاتی و مهم در مقابله با بیماری کرونا. ارائه آمارها و اطلاعات صحیح و دقیق به تفکیک استان، شهرستان و مناطق در رابطه با بیماری کووید ۱۹ می‌تواند نقش مؤثری در آگاه‌سازی و رفتارسازی صحیح به منظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی در جامعه

داشته باشد. همچنین آگاهی مردم از تصمیمات حیاتی می‌تواند با افزایش نقش نظارتی مردم بر تصمیمات دولتی، منجر به تصمیم‌سازی بهتر در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی مردم شود.

(۳) تحلیل مسئله به صورت منظم و سیستماتیک و استفاده از نظرسنجی‌های عمومی. دولت‌ها باید با انجام نظرسنجی‌های عمومی و وسیع در کشور، نظرات مردم را در رابطه با بیماری به صورت منظم و سیستماتیک استخراج کرده و تا حدودی بتوانند رفتار اجتماعی آن‌ها را تحلیل کنند. با تحلیل این رفتارهاست که می‌توان سناریوهای آینده را ترسیم کرد و به راه‌حل‌های مختلف اندیشید.

(۴) استفاده از تجربیات کشورهای موفق در مواجهه با بیماری کووید ۱۹. لازم است که از تجربه کشورهایی مانند چین، ژاپن و کره جنوبی در مقابله با بیماری مذکور استفاده نمود و آن‌ها را با شرایط بومی جامعه تطبیق داد.

(۵) استفاده از ظرفیت دانشگاهیان و متخصصان علمی کشور به منظور اطلاع رسانی علمی، دقیق و به روز در رابطه با بیماری کووید ۱۹ در جامعه. متأسفانه هم‌زمان با انتشار ویروس کووید ۱۹، شبه علم نیز در جامعه رواج پیدا کرده و بسیاری از سودجویان با گمراه سازی مردم منجر به رفتارهای اجتماعی اشتباهی شده‌اند. لازم است که دولت‌ها از پتانسیل دانشگاهیان، پژوهشگران و متخصصان علمی کشور به منظور آگاه سازی علمی و مبارزه با شبه علم در این زمینه بیش از پیش استفاده نمایند.

منابع

احمدی، حبیب، دهقانی، رودابه (۱۳۹۴). آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۰، شماره ۲، زمستان ۹۴، صفحات ۱۰۱-۱۲۶.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷). نگاهی جامعه شناختی به مخاطره در شهر. مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۴.

آخوندی، عباس، امین زاده، امید (۱۳۹۹). منشاء ویروس کرونا. بازیابی شده در تاریخ (۱۳۹۹/۰۱/۱۷). <https://www.abbasakhoundi.ir>

بک، اولریش (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره‌ی جهانی، ترجمه‌ی محمدرضا مهدیزاده، تهران: کویر.

توسلی، غلامعباس، و دادهیر، ابوعلی (۱۳۸۸). مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره آمیز تاملی جامعه شناختی بر شکل گیری جوامع مخاطره آمیز نظارتی در عصر حاضر. جامعه شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴.

شالچی، وحید (۱۳۹۴). زمینه‌های نهادی بروز نگرانی در تجربه زیسته ایرانیان. مجله علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۷.

صادقی فسایی، سهیلا، عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، صص ۹۲-۶۲.

عبداللهی، محمدرضا (۱۳۹۹). درباره مقابله با شیوع ویروس کرونا (۴۰) ارزیابی ابعاد اقتصادی کلان شیوع ویروس کرونا، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اقتصادی. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۸). جامعه‌ی ریسک و اهمیت آن برای جامعه‌ی مخاطره‌آمیز. فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال دوازده.

قدکپور، نیما (۲۰۲۰). سیاه پوستان، بزرگترین قربانیان کرونا در آمریکا. بازیابی شده در تاریخ (۲۰۲۰/۰۴/۱۰). برگرفته از: <https://per.euronews.com>

کاظمی، فاطمه، صبوری، علی اکبر (۱۳۹۴). نشریه نشاء علم، سال ششم، شماره اول. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نی. گروه افکارسنجی دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۹). گزارش نظرسنجی دیدگاه شهروندان در خصوص کرونا (مطالعه کشوری)، موج اول. ویروس‌های نوپدید؛ انتقام طبیعت از بشر. بازیابی شده در تاریخ (۹۸/۱۲/۱۹). خبرگذاری جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از: <https://www.irna.ir>

کاهش مداخله در طبیعت بهترین سلاح در برابر همه‌گیری‌های آینده. بازیابی شده در تاریخ (۹۹/۰۲/۱۱). پایگاه خبری زیست آنلاین، برگرفته از: <http://www.zistonline.com>

